



هنگام، استفاده از تلفن پرهزینه و مشکل بود، مسافرت هوایی یک مسافرت تجملی و مخصوص افراد ثروتمند بود و بسیاری از مردم درصد پائین و قانون مندی از سود را در ازای پس انداز اندوخته خود در بانکها دریافت می کردند. برنامه هائی نظیر کمک به خانواده ها و فرزندان تحت تکفل آنها بعنوان عوامل بازدارنده ای در جهت اشتغال و تأهل مانند خانواده های فقیر عمل کرده و موجب از هم پاشیده شدن خانواده ها شده است. انقلاب تاجر-ریگان استخدام و اخراج کارگران را راحت تر ساخته و همزمان با تعطیلی یا نقصان یافتن صنایع سنتی درد و رنج بسیار زیادی را برای آنها به ارمغان آورده، اما در عین حال اساس رشد و ظهور بخشهای جدیدی مانند فن آوری اطلاعات و بیوتکنولوژی را بمدت نزدیک سه دهه فراهم آورده است. از نقطه نظر بین المللی، انقلاب ریگان ترجمان «اتفاق نظر واشنگتن» بود که تحت این ترجمان واشنگتن و سازمانهای تحت نفوذ آن، مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، کشورهای در حال توسعه را بسوی آزاد ساختن اقتصاد خود سوق دادند. در عین حالیکه اتفاق نظر واشنگتن همواره توسط توده گراهائی مانند هوگو جاوز از کشور ونزوئلا به یاد انتقاد گرفته می شود، اما این اتفاق نظر بطور موقعت آمیزی درد و رنج بحران ناشی از بدهیهای آمریکای لاتین در اوایل دهه ۱۹۸۰ را تسکین می بخشید و آنهم زمانیکه تومری غیرعادی، کشورهائی نظیر آرژانتین و برزیل را مورد هجوم قرار داده است.

سیاستهای مشابه که متکی بر دوستیهای بازاری هستند سیاستهائی هستند که کشورهائی نظیر چین و هندوستان را به نیروگاههای اقتصادی و بصورتی که امروزه بچشم میخورند تبدیل کرده است. و در صورت نیاز به اثبات بیشتر، میتوان نگاهی داشت به نمونه های نامتعدالتری از دولتهای بزرگ، اقتصادهای مرکزیت یافته جماهیر شوروی سابق و دیگر ایالتهای کمونیستی. با فرارسیدن دهه ۱۹۷۰ این دولتها در همه جنبه ها کمابیش از رقبای سرمایه دار خود عقب ماندند. فروپاشی آنها پس از سقوط دیوار برلین تأییدی بود بر اینکه چنین دولتهای مرفهی به یک بن بست تاریخی رسیده اند. انقلاب ریگان نیز مانند تمامی

سقوط «شرکت آمریکا»

اخبار روز: فوکویاما، فیلسوف آمریکایی که با روی کار آمدن ریگان و سقوط اتحاد شوروی «پایان تاریخ» را پیش بینی کرده بود، اینک از «پایان ریگانسیم» سخن می گوید. فوکویاما در شماره ی اخیر مجله ی «نیوزویک» به تحلیل از بحران اخیر مالی در آمریکا پرداخته است که ترجمه ی فارسی آن را می خوانید...

کمتز، از ساماندهی بخش مالی بازماند و اجازه داد تا گزند و آسیب مهیبی را به دیگر قسمتهای دنیا وارد سازد. نظام دموکراسی نیز حتی پیشتر از این لکه دار شده بود. هنگامیکه ثابت شد رژیم صدام فاقد سلاحهای کشتار جمعی (WMD) است، دولت بوش با استفاده از مرتبط ساختن جنگ عراق با یک برنامه کاری جامعه تحت عنوان «برنامه کاری آزادی» در پی توجیه کردن حمله خود به عراق بود و تبلیغ دموکراسی بیکباره بعنوان یک سلاح عمده در جنگ علیه تروریسم بکار گرفته شد. برای بسیاری از مردم سراسر دنیا، سخنرانی آمریکا در مورد دموکراسی تا حدود زیادی شبیه بهانه ای برای افزایش چیرگی و تسلط آمریکا بنظر می آید. گزینه ای که در حال حاضر با آن مواجه شده ایم فراتر از نجات از تنگنا یا مبارزه بر سر پست ریاست جمهوری قرار می گیرد. با وجود جذابیت هر چه بیشتر الگوهای نظیر الگوی چینی یا روسی، نشان بدنام آمریکائی را بسختی می توان در یک برهه از زمان به بوته آزمایش گذاشت. بازگرداندن خوشنامی و احیاء جاذبه نشان آمریکا، از بسیاری جهات به مبارزه ای بزرگ در جهت تثبیت موقعیت بخش مالی شباهت دارد.

باراک اوباما و جان مک کین هر کدام با قوای متفاوتی وارد این مبارزه شده اند. اما این مبارزه برای هر یک از آنها یک مبارزه دشوار و طولانی خواهد بود. تا زمانیکه بروشنی نفهمیم چه چیز اشتباه بوده است، چه جنبه هائی از الگوی آمریکائی سالم هستند، چه جنبه هائی ضعف اجرائی داشته اند و کدام جنبه ها روی هم رفته نیاز به دور افکنده شدن دارند، حتی قادر به شروع این مبارزه نیز نخواهیم بود. بسیاری از مفسران خاطر نشان ساخته اند که فروپاشی وال استریت نشان دهنده پایان عصر ریگان است. در این مقوله بدون شک حق با آنها می باشد، حتی اگر مک کین موفقی شود رئیس جمهور منتخب ماه نوامبر باشد. ایده های بزرگ در متن یک دوره تاریخی بخصوص متولد می شوند. تعداد کمی از این ایده ها می توانند در مقابل تغییر شگرف این متن به موجودیت خود ادامه دهند و به همین دلیل است که سیاستها متمایل به تغییر از چپ به راست و بازگشت مجدد بسمت چرخه هائی به قدمت یک نسل هستند. نظام ریگان سالاری (و یا در قالب بریتانیائی آن، نظام تاجر سالاری) در زمان خاص خود محق بودند. از زمان سیاست نوین فرانکلین روزولت در دهه ۱۹۳۰، دولتها در سراسر دنیا فقط بزرگتر و بزرگتر شده اند.

با فرا رسیدن دهه ۱۹۷۰، مشخص شد دولتهای مرفه بزرگ که با استفاده از نوار قرمز به اقتصاد خود گره خورده اند، تا حدود زیادی دچار نقص در عملکرد هستند. در آن

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com

انفجار درونی بزرگترین بانکهای سرمایه گذاری آمریکا، ناپدید شدن بیشتر از یک تریلیون دلار از دارائی بازار سهام در عرض یک روز، صورتحساب ۷۰۰ میلیارد دلاری برای مالیات دهندگان ایالات متحده آمریکا و... مقیاس فروپاشی وال استریت میتوانست ابعادی عظیم تر از این داشته باشد. حتی هنوز هم در عین حالیکه آمریکائیهائ سوال می کنند که چرا باید چنین مبالغه سرسام آوری را برای جلوگیری از فروپاشی اقتصاد بپردازند. تعدادی بر سر هزینه های نامحسوس تری که بطور بالقوه ای پرهزینه تر هستند به بحث می پردازند؛ آسیبی که این ناسامانی مالی به برند «آمریکا» وارد ساخته است.

ایده ها یکی از مهمترین صادرات ما هستند و در این میان دو ایده اصولی آمریکائی از اوایل دهه ۱۹۸۰ یعنی بهنگام انتخاب رونالد ریگان بعنوان رئیس جمهوری آمریکا، بر افکار جهانی تسلط یافته است. اولین ایده بیشن خصوصی از سرمایه داری را به بحث می گذارد که پرداخت مالیات کم و اعمال قوانین و مقررات حکومتی آسان را در حکم موتوری برای رشد اقتصادی می داند. نظام مبتنی بر افکار و عقاید ریگان در مقابل تمایل یکصد ساله برای تشکیل یک حکومت فراگیر قرار گرفت. قانون زدائی نه تنها در ایالات متحده و بلکه در سراسر دنیا باب روز شد.

دومین ایده بزرگ، آمریکا را بعنوان مروج دموکراسی لیبرال در سراسر دنیا و بعنوان بهترین مسیر برای رسیدن به یک نظام بین المللی آزاد و شکوفا در نظر می گیرد. نفوذ و قدرت آمریکا نه تنها بر روی دلارها و ذخایر نفتی ما سایه انداخته است که بلکه گویای این واقعیت است که بسیاری از مردم دنیا آمریکا را بعنوان کشوری با حکومت خودمختار می شناسند و می خواهند جوامع خود را در امتداد با همان مسیر قرار دهند. مسیری که دانشمندان وارد به مسائل سیاسی ژوزف نای از آن بعنوان «قدرت ملایم» ما نام برده است. شاید بسختی بتوان دریافت که تا چه حد علائم مشخصه نشان آمریکا از اعتبار ساقط شده اند. مابین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، یعنی هنگامیکه دنیا از رشدی بی سابقه برخوردار بود براحتمی میشد از عقیده سوسیالیستهای اروپائی و توده گراهای آمریکائی چشم پوشی کرد. عقایدی که الگوی اقتصادی ایالات متحده را بعنوان «نظام سرمایه داری گاوچرانها» مورد نکوهش قرار داده و تقبیح می کردند. اما در حال حاضر موتور رشد این اقتصاد آمریکائی از ریل خارج شده و می رود تا تهدیدی باشد برای زیر چرخ کشیدن بقیه قسمتهای دنیا. بدتر از همه، این خود الگوی آمریکائی است که بعنوان متهم خطاب قرار می گیرد. واشنگتن تحت تأثیر شعار نظارت و کنترل

جنبشهای تغییر شکل یافته، راه خود را گم کرد، چرا که برای بسیاری از رهروان خود تبدیل به یک ایدئولوژی تردید ناپذیر شد و نه یک واکنش واقع گرایانه در برابر زیاده روی های این ایالت ثروتمند. دو مفهوم در اینجا تقدس بسیاری یافته اند: ابتدا اعتقاد بر اینکه، قطع اخذ مالیات بخودی خود مسائل مالی را حل می کند و دوم اینکه داد و ستدهای مالی را میتوان بصورت خودکار قانونمند ساخت. قبل از دهه ۱۹۸۰، محافظه کاران از نظر مالی محافظه کار بودند، یعنی تمایلی نداشتند بیشتر از مالیات اخذ شده خرج کنند.

ولی نظام اقتصادی مبتنی بر دولت ریگان این ایده را به نمایش گذاشت که هر گونه قطع مالیات کمابیش بگونه ای رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می دهد که دولت در پایان کسب درآمد بیشتر را متوقف خواهد ساخت (منحنی معروف لافر). در حقیقت، یک چنین نگرشی از نقطه نظر عرف و قرارداد یک نگرش صحیح است. یعنی در صورتیکه شما بدون حذف گزینه «خرج کردن»، گزینه «اخذ مالیات» را حذف کنید، در نتیجه با یک کسر بودجه زیان بار مواجه خواهید شد.

در نتیجه قطع اخذ مالیات در دهه ۱۹۸۰ از دولت ریگان موجبات یک کسری بودجه بزرگ را فراهم آورد و افزایش مالیات دهه ۱۹۹۰ در دولت کلینتون اضافه بودجه را بدنال داشت و قطع مالیات در دولت بوش که در اوایل قرن ۲۱ صورت گرفت، کسری بودجه بزرگتری را به همراه آورد. این حقیقت که رشد اقتصادی آمریکا در زمان کلینتون بهمان سرعت رشد اقتصادی در زمان ریگان بوده است به هر طریق موجبات تزلزل اعتقاد محافظه کاران را نسبت به قطع دریافت مالیات بعنوان راه حلی شکست ناپذیر برای رشد اقتصادی فراهم نیاورد. مهمتر از آن اینکه، پدیده جهانی سازی بمدت چندین دهه جریانات حاصل از این استدلال را از دیده پنهان ساخت. تمایل خارجی ها برای بچنگ آوردن دلارهای آمریکا بنظر بی پایان بود و به دولت ایالات متحده اجازه می داد تا در عین برخورداری از رشد بالای اقتصادی از روبرو شدن با مشکل کسری بودجه فرار

دنباله مطلب در صفحه ۴۲

تولد، ازدواج، خرید خانه

اینها جزو مهمترین اتفاقات زندگی ما هستند.

اجازه می خواهیم بر شالوده صداقت و تجربه، بهترین تلاش خود را در امور املاک و وام به شما هموطن گرامی تقدیم کنیم.

**Residential & Commercial Specialist,
Serving the Entire Bay Area**

**ملیح آذر Mali A zar
مشاور وام و املاک**

با تشکر از همه هموطنانی که در سال ۲۰۰۷

افتخار همکاری را به من دادند.

(408) 506-6164 & (408) 722-7060

E-mail: maliazar@yahoo.com

6489 Camden Ave. Suite 104, San Jose, CA 95120

